

شرحی بر

سنت حفاظت معماری در ایران

با تکیه بر شواهد تاریخی حفاظت در مسجد جامع اصفهان

با مقدمه

دکتر مهدی حجت

(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

دکتر محسن عباسی هرفته

(عضو هیئت علمی دانشگاه یزد)

سرشناسه	: عباسی هرفته، محسن، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران: با تکیه بر شواهد تاریخی حفاظت در مسجد جامع اصفهان
مشخصات نشر	: یزد: دانشگاه یزد، انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: جدول، نمودار.
فروست	: سلسله انتشارات دانشگاه یزد
شابک	: 978-600-6309-76-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیماک مختصر
یادداشت	: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nliai.ir قابل دسترسی است
یادداشت	: واژه نامه
شناسه افزوده	: حجت، مهدی، مقدمه نویس
شناسه افزوده	: دانشگاه یزد، انتشارات**
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۰۸۶۷
کد پیگیری	: ۳۸۰۶۶۹۵

مرکز انتشارات دانشگاه یزد

یزد، صفائیه، بلوار دانشگاه، صندوق پستی ۷۲۱-۸۹۱۹۵ تلفن: ۰۳۵-۳۸۲۱۱۶۷۰-۹

دورنگار ۰۳۵-۳۸۲۰۰۱۲۶

رایانامه: PRESS@YAZD.AC.IR

عنوان کتاب: شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران: با تکیه بر شواهد تاریخی حفاظت در مسجد جامع اصفهان
مؤلف: دکتر محسن عباسی هرفته
عکاس: محمد سجاد دهقان اشکذری
صفحه آرای و طراحی روی جلد: نجمه فتوحی فیروزآبادی
ویراستار: زهرا آقابگی
ناشر: انتشارات دانشگاه یزد
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: یزد-موسسه توسعه آسمان هنر
نوبت چاپ: اول
سال چاپ: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت پشت جلد: ۴۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۹-۷۶-۷
مرکز پخش: موسسه کتابیران
تهران، میدان انقلاب، کارگر شمالی، خیابان نصرت، خیابان دکتر قریب، نرسیده به فرصت، پلاک ۷.
تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۶۵۱۰-۱۵

فهرست

ذ	مقدمه
س	پیشگفتار
ص	ساختار کتاب

فصل تمهیدیه

۲	۱-۰- مقدمه‌ای بر مفهوم معماری
۲	۱-۱-۰- شناخت حفاظت معماری مستلزم شناخت معماری
۳	۲-۱-۰- معماری در جهان سنت
۳	۱-۲-۱-۰- پیگیری یک نظریه فلسفی
۵	۲-۲-۱-۰- پیگیری یک نظریه سنتی
۶	۳-۲-۱-۰- پیگیری یک نظریه تجربی
۷	۴-۲-۱-۰- جمع‌بندی
۹	۲-۰- مقدمه‌ای بر مفهوم حفاظت
۱۱	۳-۰- مقدمه‌ای بر مفهوم مداخله و جایگاه آن در حفاظت

فصل اول

- فصل اول: گونه شناسی مداخلات حفاظتی (در گذشته) ۱۶
- ۱-۱- تعامل با ساختار، معیار گونه بندی مداخلات ۱۶
- ۱-۱-۱- مداخلات حفاظتی و تقویت ساختار معماری ۲۰
- ۱-۱-۱-۱- مداخلات حفاظتی و تقویت ساختار کالبدی ۲۰
- ۱-۱-۱-۲- مداخلات حفاظتی و تقویت ساختار کارکردی ۲۷
- ۱-۱-۱-۳- جمع بندی ۲۹
- ۲-۱- تشریح و گونه بنای مداخلات ۳۱
- ۱-۲-۱- مداخلات مخرب ۳۱
- ۲-۲-۱- مداخلات حفاظتی ۳۳
- ۱-۲-۲-۱- مداخله و تثبیت ساختار موجود ۳۳
- ۲-۲-۲-۱- مداخله و تکمیل ساختار موجود ۳۳
- ۳-۲-۲-۱- مداخله و تحویل ساختار موجود ۴۰
- ۳-۱- جمع بندی: مداخلات مخرب، مداخلات حفاظتی ۴۱

فصل دوم

- فصل دوم: علت شناسی و زمینه شناسی حفاظت (در گذشته) ۴۶
- ۱-۲- علل و انگیزه ها ۴۶
- ۱-۱-۲- علل ۴۶
- ۱-۱-۱-۲- تقویت کالبد ۴۶
- ۲-۱-۱-۲- گسترش بنا ۴۷
- ۳-۱-۱-۲- ایجابات دسترسی ۴۷
- ۴-۱-۱-۲- تغییر الگوی معماری زمانه ۴۷
- ۲-۱-۲- انگیزه ها ۴۹
- ۱-۲-۱-۲- انگیزه های مردم ۵۱
- ۲-۲-۱-۲- انگیزه های سیاسی حکومت ۵۳
- ۲-۲- تداوم کارکرد، رویکرد اصلی حفاظت (در گذشته) ۵۸
- ۱-۲-۲- مفهوم کارکرد معماری (در گذشته) ۵۸

۶۲	۲-۲-۲- جایگاه تداوم کارکرد در حفاظت ابنیه
۶۴	۲-۳-۲- واکاوی دلایل محوریت کارکرد در حفاظت (در گذشته)
۶۸	۲-۳-۳- زمینه‌ها
۶۸	۲-۳-۱- حکومت
۷۱	۲-۳-۲- اشخاص تأثیرگذار
۷۴	۲-۳-۳- گرایش‌های مذهبی و فرقه‌ها
۷۶	۲-۳-۴- تکنولوژی زمانه
۷۸	۲-۴- جایگاه عوام، خواص و حکومت در حفاظت (در گذشته)
۸۱	۲-۵- جمع‌بندی

فصل سوم

۸۴	فصل سوم: ریخت‌شناسی مداخلات حفاظتی (در گذشته)
۸۴	۳-۱- نگهداری (وضع موجود)
۸۶	۳-۲- تعمیر و مرمت (وضع موجود)
۸۸	۳-۲-۱- بازسازی
۸۸	۳-۲-۲- نوسازی
۹۱	۳-۲-۲-۱- نوسازی و الحاق
۹۹	۳-۲-۲-۲- تخریب و نوسازی
۱۰۰	۳-۳- جمع‌بندی

فصل چهارم

۱۰۴	فصل چهارم: ویژگی‌های حفاظت (در گذشته)
۱۰۵	۴-۱- ارتباط، رابطه مداخلات حفاظتی با یکدیگر
۱۰۷	۴-۲- اضطرار، پرهیز از بیهودگی و در حداقل ضروری
۱۰۸	۴-۳- استمرار، عدم انقطاع در روند مداخلات
۱۰۹	۴-۴- استدراج، روند تدریجی تغییرات
۱۱۲	۴-۵- احترام، توجه به معماری گذشته
۱۱۴	۴-۵-۱- تبعیت از اصول معماری گذشته

- ۱۱۵ ۴-۵-۲- تبعیت از ساختار معماری قبل
- ۱۱۶ ۴-۵-۳- تخریب حداقلی بخش‌های قدیم
- ۱۱۶ ۴-۵-۴- پیوند بخش‌های جدید با قدیمی
- ۱۱۶ ۴-۵-۵- استفاده از بخش‌های قدیم در سازه جدید
- ۱۲۱ ۴-۶- استکمال، تکامل بنا
- ۱۲۳ ۴-۶-۱- رفع نواقص و اصلاح عیوب وضع موجود
- ۱۲۴ ۴-۶-۲- به فعلیت رساندن قابلیت‌های وضع موجود
- ۱۲۴ ۴-۶-۳- افزودن بخش‌های جدید
- ۱۲۷ ۴-۷- روزآمدی
- ۱۳۰ ۴-۷-۱- روزآمدی تکنیک‌های ساخت
- ۱۳۲ ۴-۷-۲- روزآمدی در مصالح مصرفی
- ۱۳۴ ۴-۷-۳- روزآمدی ساختار و عناصر معماری
- ۱۳۷ ۴-۸- جمع‌بندی: نشانه‌هایی از وجود یک منظومه

فصل پنجم

- ۱۴۲ فصل پنجم: پیدایی یک سنت: سنت حفاظت معماری
- ۱۴۳ ۵-۱- مفهوم سنت
- ۱۴۴ ۵-۲- جامعه سنتی و خرده سنت‌ها
- ۱۴۷ ۵-۳- ویژگی خرده سنت‌ها (صفات یک سنت)
- ۱۵۲ ۵-۴- تطابق ویژگی‌های حفاظت و ویژگی‌های عمومی یک خرده سنت
- ۱۵۳ ۵-۵- سنت حفاظت معماری ایران
- ۱۵۳ ۵-۵-۱- مفهوم سنت حفاظت
- ۱۵۶ ۵-۵-۲- مخاطب سنت حفاظت
- ۱۵۷ ۵-۵-۳- ارکان سنت حفاظت: ثبات و تغییر
- ۱۵۸ ۵-۵-۴- جایگاه ثبات و تغییر در سنت حفاظت
- ۱۶۰ ۵-۵-۴-۱- ثوابت، متضمن حفظ تمامیت معماری
- ۱۶۴ ۵-۵-۴-۲- تغییر، لازمه تداوم حیات بنا
- ۱۶۷ ۵-۵-۵- اصول سنت حفاظت

فهرست نقشه‌ها

- نقشه (۱-۱) وجهی از ساختار جامع اصفهان در پلان ۲۲
- نقشه (۲-۱) تقویت محورهای مسجد ۲۶
- نقشه (۳-۱) مداخلات عمده در مسجد ۳۸
- نقشه (۴-۱) جهش دهانه ۴۳
- نقشه (۱-۲) یکی از قوس‌های شبستان ضلع شرقی ۵۰
- نقشه (۲-۲) میدان شاه اصفهان ۵۴
- نقشه (۳-۲) جامع اصفهان ۷۳
- نقشه (۴-۲) جامع فهرج ۷۳
- نقشه (۱-۳) محدوده توسعه درون‌زا و برون‌زا ۹۲
- نقشه (۲-۳) یکی از ستون‌های جنوب شرقی ۹۴
- نقشه (۳-۳) ایوان شرقی ۹۴
- نقشه (۴-۳) شبستان جبهه جنوبی ۹۵
- نقشه (۱-۴) نقشه دوره‌بندی جامع اصفهان ۱۱۰
- نقشه (۲-۴) بقایای حصار خشتی قرن سوم ۱۱۸
- نقشه (۳-۴) ارتباط گنبد و ایوان جنوبی ۱۱۹
- نقشه (۴-۴) نسبت گنبدخانه جنوبی و شبستان‌های طرفین آن ۱۱۹
- نقشه (۵-۴) بخشی از ایوان غربی ۱۲۰
- نقشه (۶-۴) تبعیت دهانه‌های مجاور صحن از ساختار قبل ۱۲۰
- نقشه (۷-۴) محراب مصلی و محراب شبستان بیت‌الثناء ۱۲۲
- نقشه (۸-۴) یکی از ستون‌های جبهه غربی ۱۲۵
- نقشه (۹-۴) مقایسه شبکه پیمون مسجد قرن سوم و قرن هفتم ۱۲۶
- نقشه (۱۰-۴) سقف چوبی شبستان مسجد قرن سوم ۱۳۱
- نقشه (۱۱-۴) طاق آجری شبستان مسجد پس از قرن سوم ۱۳۱
- نقشه (۱۲-۴) طاق راهرو جنوبی ایوان شرقی ۱۳۱
- نقشه (۱۳-۴) نحوه آجر چینی یک ستون ۱۳۳
- نقشه (۱۴-۴) روزآمدی الگوی معماری مسجد ۱۳۵
- نقشه (۱۵-۴) مقطع ستون‌های عباسی، آل‌بویه و سلجوق ۱۳۶

۲۲	تصویر (۱-۱) وجهی از ساختار مسجد در نما
۳۰	تصویر (۲-۱) غسالخانه منتهی علیه شمال غربی
۳۰	تصویر (۳-۱) تضعیف کارکردی مسجد
۳۲	تصویر (۴-۱) نمونه‌ای از مداخلات مخرب
۳۴	تصویر (۵-۱) بدنه مجاور ایوان جنوبی
۳۴	تصویر (۶-۱) بدنه ایوان شرقی
۳۴	تصویر (۷-۱) لایه های متعدد اندود
۳۴	تصویر (۸-۱) لایه های متعدد اندود
۳۴	تصویر (۹-۱) ایوان ضلع شرقی
۳۶	تصویر (۱۰-۱) محراب قدیمی مسجد
۳۹	تصویر (۱۱-۱) کتیبه صفا عمر
۳۹	تصویر (۱۲-۱) کتیبه ایوان صاحب
۴۲	تصویر (۱۳-۱) کتیبه سوره مؤمنین گنبد نظام الملک
۴۲	تصویر (۱۴-۱) کتیبه ایوان جنوبی
۴۲	تصویر (۱۵-۱) کتیبه سردر شمالی
۴۸	تصویر (۱-۲) یکی از چراغدان های مسجد
۵۰	تصویر (۲-۲) شبستان قرن سوم
۵۰	تصویر (۳-۲) شبستان قرن هفتم
۵۱	تصویر (۴-۲) کتیبه ایوان جنوبی
۵۲	تصویر (۵-۲) کتیبه ایوان جنوبی
۵۵	تصویر (۶-۲) کتیبه فوقانی ایوان جنوبی
۶۷	تصویر (۷-۲) صحن جامع اصفهان در شب قدر
۷۰	تصویر (۸-۲) بقایای آجرکاری های الحاق شده به مسجد خشتی قرون اولیه
۷۰	تصویر (۹-۲) بقایای آجرکاری های الحاق شده به مسجد خشتی قرون اولیه
۷۰	تصویر (۱۰-۲) بقایای آجرکاری های الحاق شده به مسجد خشتی قرون اولیه
۷۲	تصویر (۱۱-۲) صفا عمر
۷۵	تصویر (۱۲-۲) گنبد شمالی

- ۷۷ تصویر (۲-۱۳) شبستان سلجوقی
- ۷۷ تصویر (۲-۱۴) شبستان تیموری
- ۸۶ تصویر (۳-۱) پله های روی بام ایوان شمالی
- ۸۶ تصویر (۳-۲) پله های روی بام ایوان شمالی
- ۸۶ تصویر (۳-۳) برف روی صحن حرم حضرت رضا (ع)
- ۸۶ تصویر (۳-۴) برف روی بام یک بنای تاریخی
- ۸۷ تصویر (۳-۵) پله دسترسی به بام ایوان غربی
- ۸۷ تصویر (۳-۶) پا ستون های گنبدخانه جنوبی
- ۸۷ تصویر (۳-۷) نورگیر پر شده گنبد جنوبی
- ۸۹ تصویر (۳-۸) مقرنس ایوان شاگرد
- ۸۹ تصویر (۳-۹) تعمیر و مرمت ایوان جنوبی
- ۸۹ تصویر (۳-۱۰) مرمت بام مسجد
- ۹۰ تصویر (۳-۱۱) ایوان جنوبی مدرسه مظفری
- ۹۰ تصویر (۳-۱۲) پتکانه های ایوان غربی
- ۹۲ تصویر (۳-۱۳) ورودی آرامگاه علامه مجلسی
- ۹۴ تصویر (۳-۱۴) شبستان جنوب شرقی
- ۹۷ تصویر (۳-۱۵) پشت بندهای طرفین گنبدخانه جنوبی
- ۹۷ تصویر (۳-۱۶) پشت بندهای طرفین گنبدخانه جنوبی
- ۹۷ تصویر (۳-۱۷) ایوان جنوبی
- ۹۸ تصویر (۳-۱۸) کتیبه ای در منتهی علیه شمال غربی
- ۱۰۱ تصویر (۳-۱۹) ترکیبی از چند مداخله در بخش شمالی
- ۱۰۲ تصویر (۳-۲۰) گنبدخانه جنوبی
- ۱۰۶ تصویر (۴-۱) خشت های حصار جبهه غربی
- ۱۰۶ تصویر (۴-۲) آجرکاری های یکی از ستون های گنبدخانه تاج الملک
- ۱۰۷ تصویر (۴-۳) گنبد جنوبی
- ۱۰۷ تصویر (۴-۴) طاق ترکیب در راهرو ایوان شرقی
- ۱۰۸ تصویر (۴-۵) کاربردی جبهه جنوب شرقی
- ۱۰۹ تصویر (۴-۶) گنبدخانه نظام الملک

- ۱۱۳ تصویر (۷-۴) حضور محتاطانه کاشی در نما
- ۱۱۳ تصویر (۸-۴) حضور گسترده کاشی در نما
- ۱۱۳ تصویر (۹-۴) شبستان آل بویه
- ۱۱۳ تصویر (۱۰-۴) شبستان بیت‌الثناء
- ۱۱۳ تصویر (۱۱-۴) شبستان اولجایتو
- ۱۱۳ تصویر (۱۲-۴) شبستان تیموری
- ۱۱۷ تصویر (۱۳-۴) محراب گنبدخانه جنوبی
- ۱۱۸ تصویر (۱۴-۴) بقایای دیوار خشتی قرن سوم
- ۱۲۲ تصویر (۱۵-۴) شبستان جنوب شرقی
- ۱۲۲ تصویر (۱۶-۴) بخشی از گنبدخانه جنوبی
- ۱۲۳ تصویر (۱۷-۴) نمای کاشی جبهه جنوبی و نمای آجری ایوان شرقی
- ۱۲۳ تصویر (۱۸-۴) نمای آجری ایوان شرقی
- ۱۲۸ تصویر (۱۹-۴) جداره مجاور ضلع جنوبی ایوان شرقی
- ۱۲۸ تصویر (۲۰-۴) محراب گنبدخانه جنوبی
- ۱۲۸ تصویر (۲۱-۴) محراب اولجایتو
- ۱۲۹ تصویر (۲۲-۴) کارهای سلیقه‌ای در جداره غربی ایوان جنوبی
- ۱۳۳ تصویر (۲۳-۴) کتیبه خط بنایی در راهرو شمالی شبستان صفوی
- ۱۳۳ تصویر (۲۴-۴) کتیبه خط بنایی در راهرو شمالی شبستان صفوی
- ۱۳۷ تصویر (۲۵-۴) یک ستون آل بویه
- ۱۳۷ تصویر (۲۶-۴) بخشی از محراب اولجایتو
- ۱۴۰ تصویر (۲۷-۴) پله‌های گنبدخانه جنوبی
- ۱۶۰ تصویر (۱-۵) یک خانه روستایی
- ۱۶۰ تصویر (۲-۵) خانه بروجرودی‌ها
- ۱۷۷ تصویر (۳-۵) بخشی از پشت بام
- ۱۷۸ تصویر (۴-۵) صحن جامع اصفهان
- ۱۸۲ تصویر (۵-۵) نمایی از صحن مسجد
- ۱۸۲ تصویر (۶-۵) بخشی از پشت بام مسجد
- ۱۹۴ تصویر (۱-۶) آب پاشی صحن مسجد

بسمه عزّاسمه

مقدمه

حفاظت از موارِث فرهنگی، خصوصاً بناهای تاریخی که محل تجلّی خواست‌ها و نیازهای جاری زندگی آدمی است، سنتی دیرپا و رسمی شناخته شده در همه جوامع بشری بوده است. از آنجا که حفاظت، خود اقدامی فرهنگی است، شبیه هر مظهر فرهنگی دیگر در بستر خاص هر جامعه شکل گرفته و خصوصیات ویژه‌ی خود را و امدار ارزش‌های موجود در آن جامعه است؛ لذا جست و جو برای دستیابی به سنت حفاظت در بستر فرهنگ ایرانی در واقع ریشه‌یابی علل، انگیزه‌ها، روش‌ها و مقاصدی است که ساکنان این سرزمین در گذر زمان و بر اساس باورهای خود برای پاسداری از آثار بجا مانده از نیاکانشان برگزیده‌اند. توجه صرف به باره‌ای از جنبه‌های علمی امر حفاظت و غفلت از تعلق‌های ویژه‌ی آن به هر فرهنگ، گاه زیانی بیش از عدم حفاظت در بر دارد. از این‌روست که فهم روش‌های خودی حفاظت در هر جامعه از توصیه‌های مؤکد کلیه‌ی اسناد بین‌المللی حفاظت نیز می‌باشد.

تکوین تجربیات انسان در هر زمینه، گنجینه‌ای بی‌بدیل را فراهم می‌آورد که حاصل عمر گذشته و چراغ راه آینده‌ی اوست. این تجربیات عملاً تحت تأثیر سه عامل مکان، زمان و باور حاکم بر هر جامعه قرار گرفته و با تغییر و یا تداوم هر یک، صورتی جدید از تلاش انسانی شکل می‌گیرد. تکالیف این اقدامات راهی را ترسیم می‌کند که خط حرکت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می‌دهد. از این‌روست که امکان عبرت‌گیری از آن - حسب نظر قرآن - فراهم می‌گردد و گذشته برای هر جامعه ارزشمند می‌گردد.

مکان زیست انسان با تأثیرات عمیق خود بر نحوه‌ی رفتار آدمی، بستری را فراهم می‌آورد که به تداوم تجربه مجال ظهور می‌دهد و پیوندی ناگسستنی بین هزاران سال زیست انسانی برقرار می‌نماید و چنین است که هر فرهنگی متعلق به سرزمینی می‌گردد. آنچه چند هزاره پیش ایلامیان در سرزمین ایران در بسیاری از زمینه‌ها برگزیده‌اند، توسط هخامنشیان و ساسانیان ادامه یافت و در طول دوران اسلامی تاکنون مطلوب طبع ایرانیان واقع می‌گردد. خصوصیات مکانی این سرزمین است که سهم به‌سزائی در نحوه‌ی خاص تلقی ایشان از آب و آتش، برادری و بردباری یا هم‌دلی و هم‌یاری داشته است. طبیعتاً غفلت از نیروی عظیم شکل دهنده‌ی مکان، زمینه‌ساز بی‌توجهی به ذوق برآمده در این بستر را فراهم کرده و با اضمحلال ویژگی‌های خاص آن، یک شکلی فرهنگی گسترش خواهد یافت.

گذر زمان امکان تکرار تجربه‌ها را فراهم می‌آورد. انسان در بستر مکان و در طول

زمان به تدریج مناسب‌ترین راه زیست خود را یافته و در تکامل آن می‌کوشد. زمان آستان حادثه‌هاست. آنچه از حوادث طبیعی و تاریخی در مکانی خاص رخ می‌دهد، به تدریج تجربه شده و علاوه بر افزایش دانش زیست، به ساختن ذوقی ویژه در مردم آن مکان نیز یاری می‌رساند. از این‌رو در هر سرزمین در طول زمان قواعد و ویژه‌ای برای هریک از شئون زندگی انسان شکل می‌گیرد که مشحون از پیوندهایی پیچیده، عمیق و استوار است و در رابطه‌ای متقابل، نسبتی تام با مردم پرورده‌ی این شرایط برقرار می‌نماید. طبیعتاً عدم توجه به این قواعد از دست نهادن همه‌ی سرمایه‌ی مکتسبه‌ی انسانی در آن جامعه و گرایش به سمت رفتاری غیرفرهنگی است.

روش‌هایی که بدین سان بر اساس الزامات مکانی و زمانی شکل می‌گیرند، تحت تاثیر باورهای هر فرد و جامعه تنظیم شده در نهایت صورت رفتار فعلی افراد را به وجود می‌آورد. هریک از ادیان و مکاتب فکری که بشر را به سوی خود دعوت می‌کند با اتکاء به تعریفی از کیستی انسان توصیه‌هایی را در پندار و رفتار به او عرضه می‌نمایند. رعایت این توصیه‌ها در تعامل با مکتوبات محیطی صورت نهایی هر اقدام را روشن می‌نماید. به وضوح روشن است که شکل تک تک رفتار ما متأثر از خصوصیات مکانی که در آن زندگی می‌کنیم، داده‌های زمانی که در آن به سر برده‌ایم و آنچه بدان اعتقاد داریم، قرار دارد.

با توجه به نکات گفته شده روشن می‌گردد که شکل بخشی از حالات و رفتار ما که سابقه‌ای طولانی در این سرزمین دارد تا چه میزان به عوامل خاص جغرافیایی، تاریخی و اعتقادی ویژه‌ی ما بستگی دارد و ایجاد تغییرات دفعی در آن‌ها خسارات بزرگی را به همراه خواهد داشت. از این‌روست که امر حفاظت در تضمین تداوم ارزش‌های فرهنگی هر جامعه جنبه‌ی حیاتی می‌یابد. باید توجه داشت که روش‌های حفاظت از سنت‌های اجتماعی در هر فرهنگ نیز محصولی مختص آن فرهنگ و طبیعتاً خود دارای سنتی ویژه است.

در میان همه‌ی سنت‌های اجتماعی حاضر در هر جامعه، روش‌های سنتی حفاظت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا با تمسک به این سنت است که امکان حفاظتی در خور از سایر ارزش‌های اجتماعی فراهم می‌گردد و در صورت عدول از روش‌های خودی و قوام یافته آن، بقاء و رقاء این ارزش‌ها در خطر قرار خواهند گرفت.

جای تعجب است که حافظان میراث فرهنگی یک سرزمین در عین تلاش برای تداوم حیات آثار ملموس و غیرملموس فرهنگی خویش روش‌های حفاظت سنتی در جامعه خود را جزو میراث ناملموس تلقی نکرده و از حفاظت از سنت حفاظت در آن سرزمین غفلت ورزند و توجه نکنند که سنت حفاظت خود میراثی گرانبه‌تر و تضمین کننده بقاء سایر آثار است.

جوامع بشری در طی تاریخ هریک برای تداوم حیات ارزش‌های اجتماعی خویش روش‌های خاصی را برگزیده‌اند. با توجه به آن که گذشت زمان موجب ضایع شدن دست‌آوردهای بشری می‌گردد، از ابتدای تاریخ تلاش برای بقاء هرآنچه از بین رفتنی است، مدّ نظر انسان بوده است. ابتدا با اعمال تغییراتی در شیر و گوشت و میوه در طولانی کردن عمر آن‌ها کوشیده‌اند. سپس با ابداع شعر و مثل و مثل به نگهداری از دست‌آوردهای ذهنی خود پرداخته‌اند. حفاظت از دست‌آوردهای ملموس نیز با سرعت در ردیف اقدامات انسان قرار گرفت و با تداوم آن در هر جامعه، سنتی برای چنین امری شکل گرفته است.

در ایران نیز از دیرباز رسم مراقبت از آثار ملموس از توجه خاص برخوردار بوده و شواهد بسیاری در این ارتباط و چگونگی انجام آن وجود دارد. تداوم این اقدامات در طول تاریخ موجب شکل گرفتن سنتی پایدار در امر حفاظت از موارث ملموس فرهنگی خصوصاً بناهای تاریخی گشته است. شناخت این سنت و به‌کارگیری آن در حفاظت از بناهای تاریخی شایسته‌ترین راه در صیانت از آثار و امری است که جهانیان نیز بر آن تاکید کرده‌اند. باید توجه داشت که علاوه بر ضرورت توجه به سنت حفاظت، از آنجا که هر اثر تاریخی خود در بستر فرهنگی خاص شکل گرفته، بدون آگاهی و ورود به خصوصیات ویژه‌ی آن فرهنگ، قرائت کامل و صحیح اثر ناممکن و لذا هر نوع مداخله در آن غیر موجه خواهد بود. تلاش برای درک فضای فرهنگی که اثر در آن ایجاد شده است از یک‌سو و اشراف لازم به سنت حفاظت از سوی دیگر موجب بروز ویژگی‌هایی در شخص حفاظت‌گر نیز می‌گردد که در اصل جواز حقیقی حرفه‌ی او خواهد بود. تنها با رعایت این شرایط است که می‌توان امیدوار بود دخالت حفاظت‌گران، خود عاملی مخرب در روند حیات آثار نگردد.

گسترش دانش حفاظت - خصوصاً در زمینه‌های فنی آن - تصور جهانی بودن روش‌های حفاظت را دامن زد و چنین برداشت شد که با پیروی از اصولی یکسان و مجهز بودن به فنون طولانی کردن عمر فیزیکی آثار، حفاظت واقعی صورت می‌پذیرد. این امر عموماً در کشورهایی که از نظر علمی پیرو نظریات دنیای مدرن بودند زمینه‌ساز غفلت از روش‌های سنتی متعلق به خود شد. فقدان تدریجی استادکاران سنتی و افزایش فارغ‌التحصیلان نظام مدرن آموزشی همراه با سهولت روزافزون تحصیل در سایر کشورها حتی تصوّر وجود دانش سنتی در امر حفاظت را از ذهن‌ها زدود. در دهه‌های اخیر کاستی‌های این رویکرد در تجربیاتی متعدد خودنمایی نمود و نتایج آن در متون مربوطه منعکس گردید و بسیاری از صاحب‌نظران را بر آن داشت تا متولیان این حوزه را به بازنگری روش‌های جاری فراخوانند. بدین ترتیب فرصتی برای رجوع به داشته‌های فرهنگ خودی در جوامع گوناگون فراهم آمد و زمینه‌ای

اندک مهیا شد تا حداقل افراد هوشمندی که مدتی طولانی با آثار ارزشمند تاریخی مانوس بودند و یا شانس درک محضر استادی سنتی را می‌یافتند رایحه‌ی لطیف رد پای وجود چنین دانشی را استشمام کنند. خوشبختانه این گرایش با اشتیاق مورد اقبال کارشناسان این رشته قرار گرفت و در بین دانشگاهیانی که توجه به ارزش‌های فرهنگی خودی را مد نظر داشتند شکوفائی یافت.

کتاب پیش‌رو از جمله‌ی این موارد است و مباحث آن حفاظت‌گران ایرانی را در دستیابی به حفاظتی خودی و درخور آثار متعلق به این فرهنگ مدد رسان خواهد بود. امید است با گسترش روزافزون این گرایش و انجام فعالیت‌های بیشتر در این زمینه راه برای دستیابی به آداب مناسب حفاظت از موارث گرانقدر فرهنگ ایرانی هموار گردد.

مهدی حجت

شهریور ۱۳۹۳

تهران

«ولواعتبرت بما مضی حفظت ما بقی»

حضرت علی (ع)

پیشگفتار

امروزه جریان حفاظت به طور عام و حفاظت از آثار معماری به طور خاص به سمت بومی شدن، گام‌های مؤثری را برداشته است و در مسیر پوست اندازی از نگاه "حفاظت جهانی" به "حفاظت بومی"، توصیه‌ها و تأکیدات بسیاری دیده و شنیده می‌شود. به نحوی که در هر منطقه استمداد از آموزه‌ها و دانش سرزمینی و تاریخی در جهت پاسخ دادن و مرتفع نمودن چالش‌های حفاظت، بخش مهمی از این توصیه‌هاست. برخی از کشورها به تدوین "منشور ملی حفاظت" خود در عین احترام به قوانین و نظرات پذیرفته شده بین المللی اقدام کرده‌اند و بسیاری آن را سر لوحه سیاست‌های آینده خود قرار داده‌اند.

در این میان، ایران با وجود فرهنگ غنی نگهداری، تعمیر، صیانت و حفاظت - آنچه که در ادبیات این کتاب تحت عنوان "سنت حفاظت" از آن یاد می‌شود - هنوز فاقد مجموعه‌ای جامع، مکتوب، مدون و روشن در زمینه مواجهه با آثار در راستای حفاظت از آن‌ها است. حال آن که در این کشور، معماری به عنوان یکی از مهم‌ترین و شریف‌ترین محصولات دوره سنت، جایگاهی در خور توجه و تمرکز را همواره به خود معطوف داشته است. نگهداری، تعمیر، مرمت و تداوم بخشیدن به حضور آثار و محافظت از آن‌ها در مقابل عوامل مخل و آسیب رسان - آنچه که در این کتاب به طور کلی ذیل عنوان حفاظت مورد خطاب قرار می‌گیرد - چنان در فرهنگ معماری گذشته ایرانیان جایگاه یافته که امر حفاظت معماری را به بخشی از جریان ساختن و نه تافته‌ای جدا بافته از آن، تبدیل نموده است. در چنین شرایطی تعمیر و حفاظت ابنیه، امری و رای معماری قلمداد نمی‌شده، به همین دلیل با رشد معماری در دوره‌های مختلف، در یک نگاه تاریخی می‌توان به خوبی شاهد تغییر و رشد شیوه‌های تعمیر، نگهداری و حفاظت از بناها نیز بود. به نحوی که در کنار سنت معماری می‌توان از "سنت حفاظت معماری" نیز سخن گفت. جریانی که وجود داشته و مبانی، اصول، رویکردها، رویه‌ها، الگوها و به طور کلی نظام خاص خود را نیز در بر داشته است. این جریان تداوم حضور فعال آثار در طول زمان را در بستر اقلیمی، فرهنگی و کارکردی آن‌ها ضامن بوده است. امری که حفاظت امروز نیز در شکل کامل و حقیقی خود به دنبال تحقق آن است.

متأسفانه پس از حدوث انقطاع در جامعه ایرانی میان دیروز سنتی و امروز شبه متجددش، در همه زمینه‌ها و از جمله معماری، موجبات فراموشی سنت حفاظت از آثار

فراهم آمد. حفاظت در کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران که از یک‌سو مصرف‌کننده تفکر نوین حفاظت که خاستگاهی غربی دارد، هستند و نه مولد آن و از سوی دیگر در گذشته دارای دانش تجربی در این زمینه بوده‌اند، به امری التقاطی و ظنی بدل شده است. در این فضا نه فهم درستی از حفاظت به معنای سنتی و نه تصویر درستی از حفاظت مدرن وجود دارد و هر کارشناس و صاحب‌نظری تعریف خود را از حفاظت ارائه می‌دهد. این نظریات در عمل نه تنها متفاوت بلکه بعضاً متناقض با یکدیگر به نظر می‌رسند. برای آن که این مشکل مرتفع گردد ضرورت دارد تا در آغاز سابقه و عقبه حفاظت به عنوان اولین گام تقرب به معنای درست و امروزی حفاظت در کشور شناخته شود.

بنابراین نظر به اهمیت و ضرورت توجه به این گنجینه ارزشمند در ارتقاء حفاظت امروز و عطف توجه به این مهم که این منظومه از دانش سنتی در معرض خطر فراموشی و نابودی قرار گرفته است و همین‌طور با توجه به شکل‌گیری نگرش‌های التقاطی، کتاب پیش‌رو بر شناخت "سنت حفاظت معماری در ایران"، دانش جمعی و تجربه تاریخی به‌کارگرفته شده در این زمینه متمرکز شده تا آن را دستمایه شفاف‌سازی نقاط مبهم و گنگ در حوزه حفاظت میراث معماری در ایران قرار دهد. برای نیل به این مهم از رویکرد استدلالی ترکیبی (قیاسی - استقرایی) بهره گرفته شده است. بدین ترتیب که با تأمل، بحث و مقایسه مستمر در مبانی، اصول و شیوه‌های معماری و حفاظت از آن در ایران دوره سنت (مشخصاً دوره اسلامی تا انتهای دوره قاجار) از یک‌سو و همین‌طور با تحلیل شواهد به جا مانده در ابنیه ایران در این زمینه و استقراء بین یافته‌ها از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق حاصل شده است. به تعبیری نگاهی تفسیری از این منظر به تاریخ معماری ایران و به طور خاص ابنیه فلات مرکزی ایران که بخش مهمی از معماری ایران را نمایندگی می‌کند، وجود داشته است.

امید که با نقب زدن بر فرهنگ متعالی حفاظت از طریق تأمل بر شواهد مکتوب و موجود از آن در ابنیه تاریخی کشور بتوان شناخت مناسبی از کم و کیف حفاظت در ایران دوره سنت به دست آورد تا از این رهگذر موجبات تعالی جریان حفاظت در کشور فراهم گردد؛ به منه و کرمه.

محسن عباسی هرفته

یزد- تابستان یک‌هزار و سیصد و شصت و یک



ساختار کتاب

کتاب پیش‌رو متشکل از هفت فصل است. فصل تمهیدیه به عنوان فصل آغازین است، پنج فصل که به بیان ابعاد مختلف سنت حفاظت می‌پردازد و فصل ختمیه که به جمع‌بندی مباحث و بیان ترکیبی نتایجی که در طول کتاب بدان دست یافته شده، اختصاص یافته است. از فصل اول تا فصل چهارم که به طرح و استدلال در باب ابعاد مختلف سنت حفاظت پرداخته می‌شود، کتاب دو مسیر موازی را با هم می‌پیماید. مسیر اول به مباحثی اختصاص یافته که بدنه اصلی کتاب را شکل می‌دهد و مسیر دوم به ارائه مثال‌ها و مصادیق در ربط با این مباحث است که در زیر نویس، درج شده‌اند. این بخش در قالب ارائه مطالب نوشتاری، ترسیمی و تصویری سعی بر آن دارد تا مطالب نظری ارائه شده در بدنه اصلی را با نمونه‌های عینی برای خواننده ملموس کرده و از این طریق فهم مطالب را آسان‌تر نماید. کلیه مثال‌ها و مصادیق این بخش از مسجد جامع اصفهان آورده شده که یکی از بی‌نظیرترین ابنیه زنده معماری ایران از این حیث می‌باشد و تقریباً درباره تمامی مباحث نظری ارائه شده مواردی را در خود مندرج دارد. برای این که مثال‌ها بتواند در فهم بهتر مباحث نظری کتاب و توسعه آن در ذهن مخاطب کمک کند، نیاز است که خواننده شناخت مناسبی از این مسجد داشته باشد، به همین منظور در قالب پیوست‌های سه گانه انتهای کتاب سعی شده است در حداقل مجال ممکن، اطلاعات حداکثری بدین منظور ارائه شود.

پیش از ورود به فصول پنج‌گانه، فصل تمهیدیه در پی فراهم آوردن مقدمات انجام بحث اصلی است. در این فصل سعی شده تا با تبیین چند عبارت کلیدی، از برداشت‌های نادرست و سوء تفاهم‌های ناشی از معانی متفاوت جلوگیری شود. پس از این فصل، فصل اول، دوم و سوم به ابعاد مختلف حفاظت در گذشته از رهگذار تمرکز بر شواهد مداخلات در این سنت می‌پردازند. بنابراین تمرکز این چهار فصل بر حفاظت و مداخلات حفاظتی است که از طریق آن‌ها بنا حفاظت می‌شده است. فصل اول، به بیان معیارهای تشخیص مداخلات حفاظتی پرداخته و پس از آن انواع مداخلات حفاظتی را معرفی می‌کند. فصل دوم، به علل مبادرت به حفاظت در این دوره پرداخته و به عوامل تأثیرگذار در کمیت و کیفیت ظهور و توفیق آن اشاره می‌نماید. فصل سوم، انواع مداخلات را از منظر نوع و شکل تحقق، شناسایی، بررسی و دسته‌بندی می‌کند. در فصل چهارم به شناسایی و معرفی صفات و ویژگی‌های اصلی حفاظت توجه می‌شود. بیان صفات مداخلات در واقع بیانی روشمند در معرفی و توصیف حفاظت گذشته است که در این مورد در ابتدای همان فصل توضیح داده شده است. فصل پنجم، با استدلال وجود سنت‌های مختلف در همه حوزه‌های مبتلا به در

جامعه سنتی از سویی و تطبیق صفات سنت‌های فرعی در این نظام با صفات نوع حفاظت مورد نظر کتاب از سوی دیگر، به طرح ایده "سنت حفاظت" و موجودیت و موضوعیت آن همت می‌گمارد. بر این اساس، پس از استدلال در باب موجودیت این سنت، موضوعیت آن در قالب بیان مفهوم، مخاطب، ارکان و اصول سنت حفاظت تشریح می‌گردد. در نهایت، فصل ختمیه، ضمن جمع‌بندی کل مباحث قبلی، به بیان مجموعه نتایج، که در بخش‌های مختلف کم و بیش به دست آمده، در قالب پیکره‌ای منطقی پرداخته است. در خاتمه کتاب، سخن پایانی، دل‌نوشته‌ای کوتاه، حاصل مؤانست چندین ساله نگارنده با موضوع و نوع نگاه وی به رسالت حفاظت است که پیشکش می‌شود.

نکته حائز اهمیت در باب مطالعه این کتاب آن است که این کتاب را باید با دقت و تمرکز خواند چون غفلت از جزئیات و مواردی که شاید یک بار در متن بدان اشاره شده، می‌تواند سوء تفاهم‌های عمیق را ایجاد کند و منظور را کاملاً به نحو دیگری در ذهن مخاطب متبادر سازد. از سوی دیگر باید همه کتاب را خواند تا جمع‌بندی مطالب در فصل ختمیه را متوجه شد و دچار جزئی‌نگری نگشت چرا که فصول این کتاب هر یک بخشی از ماجرا را بیان خواهند کرد که پرداختن مستقل به آن بخش می‌تواند موجب سوء فهم‌های جدی گردد. ضمن آنکه در باب مباحث گفته شده می‌توان مثال‌های نقضی پیدا کرد چرا که اساساً تنوع در معماری ایران آنقدر زیاد است که صدور قواعد کلی را بسیار دشوار می‌نماید اما آنچه حائز اهمیت است ندرت این مثال‌های نقض در برابر کثرت نمونه‌هایی است که مباحث در باب آن‌ها صدق می‌کند بنابراین بر اساس این اصل منطقی که استثناء قاعده را نقض نمی‌کند، این موارد قابل تبیین و توجیه هستند.

در پایان باید گفت این نظریه "نظریه سنت حفاظت معماری ایران"، طرح شده است تا نقد شود و در طول زمان تکامل یابد هم به وسیله شخص نگارنده که مطمئناً هر چه پیش رود ابعاد جدیدی از موضوع بر او روشن خواهد شد و هم توسط خوانندگانی که با نگاهی نقادانه این متن را می‌خوانند و مجموعه دانش و تجربه خود را بدان به اشکال مختلف ضمیمه می‌نمایند و جز این راه، مسیری برای شناخت گنجینه ارزشمند حفاظت ایرانی نمی‌توان متصور بود.